

نقش و جایگاه امت در حکمرانی اسلامی

فهمیه امینی^۱

چکیده

یکی از مفاهیم بنیادی در اندیشه اسلامی، مفهوم امت می باشد که به عنوان جامعه ای مسئول و فعال در نظام حکمرانی اسلامی ایفای نقش می کند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، و با تمرکز بر دو سطح «جایگاه پیشینی» (پیش از تشکیل حکومت) و «جایگاه پسینی» (پس از تشکیل حکومت) امت، به بررسی جایگاه و کارکرد امت در حکمرانی اسلامی پرداخته و یافته های آن نشان می دهد که امت در نگاه اسلامی نه تنها تابعی منفعل نیست که بازیگری اصلی در فرایند حکمرانی است که هم در مقام منبع مقبولیت و تحقق حکومت و هم در مقام ناظر و مشارکت کننده در فرایند حکمرانی، جایگاهی محوری دارد. در یک رابطه دو سویه، زیربنای تحقق یک حکمرانی اسلامی مطلوب از رهگذر موجودیت، پذیرش و اقبال امت می گذرد و بروز مطلوب و موثر کارکردهای امت چون، هویت سازی، نقش های نظارتی، مشورتی و اقتصادی و زمینه سازی ظهور به رشد و تقویت حکمرانی اسلامی منجر می گردد. حکمرانی هم سامان و پیشرفت در وصول به مقاصد را به امت اعطا می کند.

واژگان کلیدی: حکمرانی اسلامی، امت، هویت اسلامی، مقبولیت، نقش نظارتی، نقش اقتصادی

^۱. طلبه سطح دوم، مرکز آموزش های غیرحضوری حوزه علمیه قم خواهران، پست الکترونیکی: f.amini۱۴@yahoo.com

حکمرانی اسلامی به عنوان الگویی جامع و نظام‌مند برای اداره امور جامعه، همواره مورد توجه اندیشمندان و متفکران اسلامی بوده است. در این میان، مفهوم «امت» در جایگاه یکی از ارکان اساسی حکمرانی اسلامی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و روند حرکتی جامعه اسلامی دارد. در مطالعات مدرن نقش مردم در حکمرانی به یک اصل اساسی تبدیل شده است. الگوهای مختلف لیبرال دموکراسی تا نظام‌های اقتدارگرا پاسخ‌های متفاوتی به این جایگاه این عنصر اساسی داده‌اند. اما حکمرانی اسلامی با تکیه بر مبانی دینی خود، الگویی منحصر به فرد ارائه می‌دهد که در آن امت جایگاهی بی‌بدیل دارد.

اهمیت بررسی جایگاه و تاثیر هر کدام از کارکردهای امت در حکمرانی اسلامی از چند جهت حائز اهمیت است؛ در ابتدا گامی رو به جلو در روشن شدن مباحث حکمرانی اسلامی است، هم‌چنین فهم دقیق‌تر از جایگاه مردم و امت می‌تواند راهنمای سیاست‌گذاران و مدیران نظام اسلامی در طراحی الگوهای حکمرانی باشد و در همین راستا با شفاف‌سازی، برخی از شبهات و چالش‌های مرتبط را پاسخ دهد. در بررسی پژوهش‌های پیشینی صورت گرفته در این زمینه، موارد متعددی با عناوین و مفاهیم حکمرانی اسلامی و امت اسلامی به طور مستقل یا در ارتباط با گزاره‌های دیگر یافت شد که برخی از این پژوهش‌ها به شرح زیر می‌باشد:

- بهادری جهرمی و فتاحی زفرقندی (۱۴۰۳) در کتاب اصول حکمرانی در حکومت اسلامی به بیان اصول و شاخصه‌های شارع مقدس در تعیین حدود و اختیارات کارگزاران حکومت اسلامی پرداخته و همچنین معیارهای تحقق حکمرانی مطلوب اسلامی را بررسی می‌کنند.

- رحیم پور ازغدی (۱۳۹۷) در کتاب امت اسلامی به بازخوانی اندیشه آیت الله خامنه‌ای در زمینه وحدت امت اسلامی می‌پردازد و در پنج گفتار مبانی فقهی، تفاسیر غلط، شبهات و متشابهات و ضرورت آن را بررسی می‌کند.

- عابدی درچه (۱۴۰۱) در مقاله "تبیین مقایسه‌ای دو رویکرد حکمرانی متعالی اسلامی و حکمرانی خوب" به مقایسه تطبیقی دو نوع حکمرانی خوب در غرب و متعالی در اسلام پرداخته است و وجه تمایز اصلی آن

ها را در رویکرد حکمرانی خوب به کمال مادی و دنیوی انسان و رویکرد حکمرانی اسلامی به سعادت اخروی و کمال معنوی دانسته است.

- رجبی (۱۳۹۹) در مقاله "بازشناسی مفهوم امت اسلامی در گفتمان انقلاب اسلامی و راهبردهای تحقق آن" از طریق بررسی سیر تاریخی امت اسلامی وضعیت موجود را مشخص کرده و سپس مبتنی بر اندیشه رهبران انقلاب اسلامی راهبردهای تقویت وحدت اسلامی و رسیدن به آینده مطلوب که شکل گیری امت اسلامی در جغرافیای جهان اسلام است را ارائه نماید.

- جاوید و فتاحی زفرقندی (۱۳۹۲) در مقاله "راهکارهای مشارکت مردم در اداره حکومت اسلامی" به جایگاه و نقش مشارکتی مردم در اداره حکومت اسلامی و راهکارهای آن می پردازد و نقش مردم را از حیث حق یا تکلیف بودن مشارکت در اداره نظام اسلامی بررسی می کند.

با این وجود تحقیقی که به تبیین نظام مند جایگاه امت در حکمرانی اسلامی انجام گرفته باشد ملاحظه نشد و خلاء پژوهشی در این زمینه به چشم می خورد که مقاله حاضر به دنبال پر کردن این خلاء می باشد. این پژوهش در صدد است تا با روش توصیفی-تحلیلی، جایگاه امت در حکمرانی اسلامی را تبیین کند و به این پرسش پاسخ دهد که چگونه امت به عنوان محوری اساسی، تحقق و کارآمدی حکمرانی اسلامی را تضمین می کند.

مبانی نظری و مفهومی

به منظور ایجاد فهم مشترک میان نویسندگان و مخاطب، در این پژوهش ابتدا مفاهیم به کار رفته یعنی حکمرانی، حکمرانی اسلامی و امت تبیین شده است و سپس به بررسی جایگاه امت در حکمرانی اسلامی پرداخته می شود.

- حکمرانی

حکمرانی (Governance) در لغت به معادل هایی نظیر فرماندهی و فرمان روایی کردن، عمل و شغل حکمران و حکومت (دهخدا، ۱۳۷۷: ۷۶۷۲) معنا شده است و در اصطلاح ادبیات سیاسی امروز به نوعی تعامل میان حکومت، سازمان های خصوصی و جامعه مدنی به منظور اداره امور کشور در یک روند فرایند مدار اتخاذ می گردد. ظهور مفهوم حکمرانی در جهان را می توان در عدم رضایت به وجود آمده در دهه

های ۵۰ تا ۷۰ میلادی یافت که ریشه در مدل‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی تحت تسلط دولتها داشت که در کشورهای سوسیالیستی و جهان سوم جاری بود (WISS, ۲۰۰۰: ۷۹۸). علیرغم اشتراک حکمرانی و حکومت در اقدامات غایت محور، آن دو به یک معنا نیستند. در حکومت، اشخاص دارای قدرت حکومت کردن با اختیارات قانونی و رسمی به اجرای امور می پردازند در حالی که اشاره حکمرانی به ایجاد، اجرا و استقرار اقداماتی است که به وسیله اهداف مشترک شهروندان و سازمان ها حمایت می شود، چه بسا این گروه حامی فاقد قدرت رسمی و اختیارات قانونی باشند. آن چه توسط حکمرانی در پی گرفته می شود، تقسیم قدرت در روند تصمیم گیری، بهره گیری شهروندان از استقلال و جریان فرایندی با هدف خیر عمومی به وسیله مشارکت مدنی است (Bingham and O'Leary, ۲۰۰۵: ۵۵۱).

حکمرانی فرایند مدیریت و رهبری کشور یا قلمروی معین است برای دست یافتن به مقاصدی مشخص که میان عاملان (حکومتی و غیرحکومتی) مشترک می باشد. انجام این فرایند از طریق کارکردهای حکمرانی نظیر "خط مشی گذاری، تنظیم گری، بازتوزیع، تسهیلگری و تامین و ارائه خدمات عمومی" صورت می گیرد و این کارکردها زنجیره وار در طول همدیگرند. قابل توجه است که تحقق هر فرایند حکمرانی از طریق اعمال قدرت مشروع در فضایی از ارزش ها و هنجارها صورت می پذیرد (عالی و دیگران، ۱۴۰۳: ۶۷).

مدرسه حکمرانی شهید بهشتی (مدرسه حکمرانی شهید بهشتی، ۱۴۰۰) حکمرانی را فرایند قاعده گذاری، اجرای قواعد، بررسی، نظارت و کاربست بازخوردها با اعمال قدرت مشروع و به منظور دستیابی به هدف مشترکی برای همه کنشگران و ذینفعان در چارچوب ارزشها و هنجارها در محیط یک سازمان یا یک کشور تعریف می کند. مبتنی بر این تعریف، از جمله وظایف حکمرانی، تنظیم قوانین و فرآیندهایی است که بر سبک سیاست گذاری و شیوه نقش آفرینی کنشگران و ذینفعان تأثیر می گذارد.

چگونگی دستیابی حکمرانان به چنین قدرتی برای اداره امور عمومی سازمان یا کشور به روندهای مورد اتفاق و رویه های با قابلیت اجرا، میان ذینفعان برمی گردد. ارزیابی موفقیت حکمرانی معمولاً با شاخصه هایی همچون؛ حصول ارزشها، رضایتمندی، مشارکت، گسترش عدالت، زدودن و مهار فساد، مسئولیت پذیری، وحدت و مشابه این موارد سنجیده می شود.

در یک نگاه کلی تربه تعاریف از مفهوم حکمرانی، سه نکته را می توان از نظر گذراند: الف) حکمرانی موضوعی است که در آن شیوه تعامل دولت و سازمانهای اجتماعی با هم، نحوه ارتباط ایشان با شهروندان

و چگونگی تصمیم سازی بررسی میشود . ب) تکیه گاه و پشتیبان سیستم حکمرانی مجموعه ای فرایند محور است نه یک موضوع یا نهاد مستقل، به این معنا، ما با کلکسیونی از قراردادهای سیاستها و توافقات روبرو هستیم که چگونگی اتخاذ تصمیمات، انجام وظایف و اینکه قدرت دست چه کسی باشد را روشن میسازد . ج) تغییر در توازن قدیمی میان دولت و جامعه مدنی، بیان دیگری از حکمرانی است. در این دیدگاه همان گونه که ساختارهای رسمی حکومت در تصمیم گیری و اجرای آن دخیل هستند، در سطح ملی هم بخش خصوصی و جامعه مدنی بدون تکیه بر منابع رسمی ایفای نقش میکنند. حکومت کردن از این منظر همواره فرایندی تعاملی است و هیچ کدام از بازیگران مستقلا منابع و توان حل مشکلات را ندارند. (یزدانی زازارانی، ۱۳۹۱: ۱۱۷-۱۱۶).

روشن است که کاربرد مفهوم حکمرانی، بستگی به بستر و زمینه هایی دارد که در آن به کار می رود از جمله حکمرانی خوب، حکمرانی جهانی، حکمرانی ملی، حکمرانی مشارکتی و حکمرانی اسلامی. تعریف حکمرانی در مختصات هر کدام از بسترها، راهکارهایی را به منظور افزایش نقش و کارکرد ذینفعان در فرایند تصمیم گیری و نیز ارتقاء کارایی و کارآمدی این فرایند و اجرای آن ارائه می کند. از آن جهت که بررسی هر یک از این سطوح، پژوهشی جداگانه می طلبد، از بیان آن معذور بوده و صرفا به حکمرانی اسلامی می پردازیم.

- حکمرانی اسلامی

روش حکمرانی اسلامی روشی حکومتی است که بر اساس اصول اسلامی، مطلوبیتها و خواستههای اسلام طرح ریزی شده است. در این شیوه، تنظیم رابطه میان حکومت اسلامی و دیگر کشورها، رابطه میان حکومت و آحاد مردم جامعه و نیز ابعاد تعامل بین اجزای تشکیل دهنده آن در حوزه های هدف گذاری، تقنین، برنامه ریزی، اجرا و نظارت بر مبنای اصول اسلامی می باشد (سهیلی و مرادی، ۱۴۰۰: ۱۰۷). در حکمرانی اسلامی، مرکزیت با خداوند و مقصد و مقصود رشد و تعالی مادی و معنوی انسان است. عناصر و گزاره های تشکیل دهنده این رویکرد؛ ساختار مناسب، کارگزار شایسته و کارکرد مطلوب بوده که آیات و روایات استخراج می شود (عابدی درچه، ۱۳۹۸: ۲۳-۲۲).

آن چه در حکمرانی مدنظر قرار می گیرد ایجاد تصمیم درست نیست بلکه بهترین فرایندهای ممکن برای تصمیم گیری است، که در یک حکمرانی خوب با بی توجهی به ذات تصمیم و محور قراردادن برآیند حاصل، کلیه مساعی در جهت اقدام برای رسیدن به هر روشی ممکن است اما در الگوی حکمرانی اسلامی

ضمن توجه به ضرورت تصمیم بهینه، موارد دیگری از جمله حقانیت تصمیم و مشروعیت ابزار نیز باید مورد نظر قرار گیرد. بنابراین شرایط فرهنگی، نظام و ارزش های بومی در ساختار الگوی حکمرانی در جوامع مختلف اثر دارند (زارعی، ۱۴۰۰: ۹-۸)

- امت

امت در فرهنگ اسلامی مفهومی بنیادین و چندبعدی دارد که هم هویت دینی و هم هویت سیاسی مسلمانان را شکل می دهد. این مفهوم به معنای جامعه ای متحد بر محور ایمان به خداوند و تعالیم پیامبر اکرم (ص) تعریف می شود که دارای منسک هستند و حول این اصول گردهم آمده اند: "وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا لِّيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ" (حج: ۳۴)

قرآن کریم بارها بر اهمیت اتحاد و همبستگی امت تأکید کرده است: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون» (انبیاء: ۹۲) و اینکه شکل مطلوبی از اجتماع انسانی است نه هر اجتماعی: "وَمِنْ قَوْمٍ مُّوسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ" (اعراف: ۱۵۹)

در تفاوت امت با جامعه می توان اشاره کرد که جامعه در اصطلاح جامعه شناسی، گروه سازمان یافته ای از اشخاص و افراد انسانی هستند که از نظر سرزمینی، حاکمیت یا انتظارات فرهنگی با هم مشترک هستند. افراد یک جامعه با همکاری در گروه ها، نیازهای اجتماعی ابتدایی و اصلی خود را تامین می نمایند و آن چه ایشان را از دیگر جوامع متمایز می کند، مشارکت در فرهنگی مشترک و یکسان است (مساواتی، ۱۳۸۱: ۱۴۱). در حالی که امت جماعتی از مردم است که خداوند برایشان پیامبری فرستاده و از طریق ایمان به آن پیامبر، به عهد و پیمان با خداوند درآمده اند، بنابراین می توان آن را گروه خاصی از پیروان یک دین یا یک عصر به واسطه اشتراک در نوع خاصی از عملکرد و یا رویکرد فکری دانست (طباطبایی، ۱۳۷۶: ۳۹).

امت نه تنها یک اجتماع ایمانی است، بلکه چارچوب مقبولیت و مبنای حکمرانی اسلامی را نیز تشکیل می دهد. در اندیشه شیعی، امت با اصل امامت و ولایت فقیه پیوند دارد و جایگاه آن فراتر از نقش ابزاری، بنیادین و تعیین کننده در مشروعیت و کارآمدی حکومت اسلامی است.

به طور خلاصه تاریخچه اندیشه سیاسی امت در اسلام به قرار زیر می باشد:

الف. عصر پیامبر و خلفا

نسبت به زمان حضور پیامبر اکرم(ص)، علی الظاهر جمیع مسلمانان بر این قول متفقند که اگرچه مشروعیت حکومت ایشان به خواست و نظر مردم ارتباطی نداشته و صرفاً از جانب خداوند متعال بوده است اما در تحقق حکومت، نقش مردم عاملی اصلی و حداکثری است، مردمی که نه با زور و اکراه، بلکه با رضایت و تمایل خویش حکومت و حق حاکمیت ایشان را پذیرفته و بیعت کردند و با بذل جان و مال خویش، اساس آن را استقرار بخشیدند. بنابراین نقش مردم در پرتو عنایات الهی و امدادهای غیبی، اگرچه در مشروعیت حکومت صفر بود اما در تحقق آن کامل و صد در صد بود(مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۵۷-۵۶). بیعت با پیامبر اکرم(ص) نه تنها یک رسم سیاسی، بلکه بیان اراده جمعی امت برای تحقق نظام اسلامی بود.

در باب خلفا، اهل سنت با اعتقاد بر تغییر مبنای مشروعیت، آن را به اجماع امت، نصب از سوی خلیفه قبل و تعیین اهل حل و عقد نسبت داده و در پی آن، امور مذکور را عامل تحقق حکومت خلفا نیز لحاظ می کنند.

ب. دوران اموی و عباسی

در دوران امویان و عباسیان، تمرکز قدرت در دست حاکمان و کاهش نقش امت در تعیین و نظارت بر حاکمیت، منجر به استبداد و فاصله گرفتن حکومت از مردم شد. این تجربه تاریخی اهمیت توجه به جایگاه امت و محدودیت قدرت حاکم را برجسته می سازد.

ج. اندیشه سیاسی شیعه

در بررسی نقش امت در اندیشه سیاسی شیعه باید دو دوران حضور معصوم و عصر غیبت را مدنظر قرار داد:

الف) دوران حضور معصوم: اندیشه شیعی مشروعیت حکومت و حاکم در این دوره را همانند عصر پیامبر به صورت نصب از سوی خداوند متعال دانسته و دخالت مردم را تنها در تحقق حکومت ایشان و مقبولیت می داند(مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۶۲-۵۹).

ب) دوران غیبت معصوم: فقهای قائل به تشکیل حکومت در دوران غیبت معصوم، از این منظر که شارع مقدس، حکومت بر جامعه اسلامی در عصر غیبت را حق فقیهان عادل دارای شرایط می داند اختلافی ندارند، اختلاف نظر ایشان در این مهم است که؛ تعیین و نصب ولی فقیه هم از جانب خداوند است و نقش مردم صرفاً در تحقق حکومت است یا اصل مشروعیت و حکومت فقیه هم منوط به مقبولیت مردمی اوست (اکبری معلم، ۱۳۸۳: ۱۱۶).

به طور کلی تشیع بر پیوند امت با امامت تأکید دارد و نظریه ولایت فقیه، با استناد به آموزه‌های معصومین و دیدگاه امام خمینی، امت را در تحقق حکومت اسلامی و نظارت بر آن مؤثر می‌داند. در این دیدگاه، امت نه تنها مکلف به تبعیت از ولی فقیه است، بلکه دارای حقوقی برای نظارت، انتقاد و حتی اصلاح یا عزل حاکم در شرایط انحراف آشکار می‌باشد.

جایگاه امت در حکمرانی اسلامی

جایگاه امت در حکمرانی اسلامی را می‌توان به دو دسته نقش پیشینی و نقش پسینی تقسیم بندی کرد، جایگاه پیشینی مربوط به صدر اسلام و تشکیل ابتدایی نظام توسط پیامبر (ص) است و نقش پسینی آن، زمان پس از شکل گیری اولیه نظام اسلامی، چه در زمان حضور معصوم و چه در زمان غیبت شامل می‌شود.

۱. جایگاه پیشینی امت در حکمرانی اسلامی

۱.۱. هویت بخشی به امت اسلامی

امت دارای یک هویت پیشینی است که قبل از شکل گیری نهادهای سیاسی وجود دارد و پایه‌ای برای ضرورت تشکیل حکومت اسلامی محسوب می‌شود

مشخصاً گام‌های نخستین در ساخت نظام اسلامی توسط پیامبر (ص) مبتنی بر عناصری است که مهمترین عنصر آن، مردم تابع نظام می‌باشند. از این رو فرآیند حرکت به سمت امت سازی فرآیندی پیشینی و ضروری است که رسالت پیامبر در دوران مکی به شمار می‌رود. در دوران مکی تأثیرات عمیقی که دین

جدید در سطح جامعه داشت و پذیرش آن توسط عده ای از مردم، به تغییرات هویتی و و ساختار جدید گفتمانی منجر شد که بعضاً در مقابل ارزش های قبلی بود.

این روند امت سازی، با تلاش و هوشیاری پیامبر به نحوی ادامه یافت که به تشکیل نظام اسلامی در مدینه انجامید. نظامی بر مبنای هویت جدید، به گونه ای که عصبیت رایج در آن زمان و مکان مشخص یعنی عصبیت مبتنی بر خون و نسب به عصبیت مبتنی بر ایمان و عقیده مبدل گشته و الگوی زیست قبیله ای متحول شد. در همین راستا وحی هم به دو دوره مکی و مدنی با تفاوت های آشکار تقسیم گشت. خطاب های مدنی عموماً با تعبیر « یا ایها الذین آمنو » و امثالهم می آمد که ناظر به امت اسلامی و جامعه مومنین بود. بافت این جامعه در ابتدا از طریق پذیرش و اطاعت از دین اسلام و سپس هرم قدرت مذهبی تعیین می شد (زهیری، ۱۳۸۵: ۱۶۴-۱۶۵).

در اینجا بایستی متذکر شد که روند تبدیل انسان های عصر جاهلی به جامعه مومنین و مقدماتی که این جامعه برای ساماندهی امت اسلامی و شکل دهی به حکمرانی اسلامی طی می کنند، نیاز به یک هسته پیش برنده آگاه دارد که مدیریت فکری و جمعی را بر عهده بگیرد؛ این مرکزیت در ابتدا پیامبر (ص) بود. هم چنین پس از این زمان، یعنی در زمان حفظ و گسترش امت اسلامی نیز این هسته مورد نیاز هست که در مقطعی امام معصوم و در مقطعی نایبان ایشان عهده دار آن هستند.

لیکن مورد بحث در این مجال ذکر این نکته است که اگرچه در اهمیت وجودی نقطه ثقل تردیدی نیست، اما همین مرکز برای طی مسیر و حتی به فعلیت رسیدن جایگاه دنیوی خویش در کلیه عرصه ها اعم از سیاسی و اجتماعی، نیازمند عنصر انسانی است، به گونه ای که اگر پذیرش عنصر انسانی و مجاهدت های فکری و عملی وی نباشد، آن مرکزیت هم به انزوا می رود.

از این رو هویت جامعه و نظام اسلامی ابتدائاً در یک ارتباط دو سویه بین مرکز و پیرامون شکل گرفته و امت اسلامی نقش مهم و موثری در این هویت سازی ایفا می کنند. حرکت از عقاید جاهلی و سابق به عقاید جدید ایمانی و گاه پرمخاطره، ایستادگی در برابر جبهه قدرتمند مقابل دین، هجرت و مجاهدت و یآوری پیامبر (ص) همه از اموری است که شبکه انسانی نظام اسلامی را ساخت و پرداخت کرده و آن را به عنوان امت اسلامی هویت می دهد.

۱.۲. مقبولیت بخشی و تحقق عملی حکمرانی به وسیله تشکیل رابطه دو سویه امت - امامت

حرکت ابتدایی پیامبر(ص) و به تدریج اقبال جامعه مومنین و امت اسلامی، موجب یک رابطه فکری-عملی بین ایشان و امت بود. امام، همان حاکم و پیشوایی است که از طرف پروردگارخواه به نام و خواه به نشانه در جامعه معین میشود. اصل ولایت قرآنی، وجود امام به عنوان نقطه قدرت متمرکز در متن جامعه را اثبات می کند. نقطه ای که تمام نیروهای داخلی به آن پیوندخورده و در یک راستا به کار می افتند چه در پیوستگی و اتحاد با یکدیگر و چه در مقابله با جبهه های متخاصم.

"بسی روشن است که حفظ و رعایت رویه های ولایت یعنی اتصال و ارتباط و وابستگی داخلی و جدایی و تاثیر ناپذیری وعدم وابستگی خارجی، مستلزم وجود یک قدرت متمرکز و مسلط است که در حقیقت واحد تبلور یافته ای از همه عناصر مثبت و سازنده اسلام باشد و نیز مستلزم آنست که رابطه ای عمیق و نیرومند، همه آحاد امت را به شخص حاکم یعنی محور اساسی فعالیت و نشاط عمومی جامعه پیوندزند و آنان را با او وابسته سازد... در اینجا است که بعد دیگری از ابعاد ولایت جلوه گر میشود و آن ولایت امام و پیشوای عالم اسلام است." (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۶: ۵۵۱).

اساس و کلیت این نظام دینی و حکمرانی همین پیوند محسوب میشود و اگر نباشد در سایر ابعاد خلل های جبران ناپذیری پدید خواهد آمد. امت اسلامی برای زنده و پایدار ماندن و موفقیت در امور بایستی ارتباطش با این قلب تپنده نظام اسلامی در همه حال برقرار باشد. این ارتباط، هم پیروی در مرحله فکر و بینش و هم پیروی در مرحله افعال و رفتار را شامل می شود، و همین پیوند است که باعث می شود امام جامعه بتواند من مقبولیت حاصل شده، به جامعه سازی، نظام سازی و حکمرانی بپردازد. در واقع بدون حضور مردم و پذیرش ایشان، فعلیتی در توانمندی ها و مسئولیت های پیشوا پدید نخواهد آمد. از جمله کارکردهای دیگر این پیوند می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- هویت بخشی به کلیه ارکان حکمرانی در یک ارتباط دو سویه

- مشروعیت بخشی به نظام اسلامی و الگوی حکمرانی آن برگرفته از حکم شارع،

- تقویت مقبولیت حکمرانی به دلیل رابطه متقابل امت و امام

- تقویت کارآمدی به دلیل افزایش اعتماد عمومی و کاهش فساد در نتیجه ارتباط ولی و امت

- پویایی در قوانین و پاسخ دهی به نیازهای زمان
- هدایت فکری و معنوی مسئولین، نخبگان و عموم مردم
- جلوگیری از استبداد رأی به وسیله منزلت امام و رابطه متقابل امت و رهبری که امکان نقد و اصلاح را فراهم می کند.

۲. جایگاه پسینی امت در حکمرانی اسلامی

۲.۱. نقش نظارتی و مشورتی امت

از جمله وظایف امت، احساس مسئولیت نسبت به عملکرد و رفتار نظام حکمرانی است. نظارت نه تنها حق مردم بلکه وظیفه دینی ایشان محسوب می شود. ماهیت نظام حکمرانی و به طور کلی ماهیت قدرت، این مهم را ایجاب می کند، چرا که در بسیاری موارد قدرت موجب احساس استغنا برای مالک خود می شود و طبق فرموده قرآن انسان اگر به چنین حسی دست پیدا کند سر به طغیان می گذارد "کلا ان الانسان لیطغی-ان رءاه استغنی" (علق ۷-۶). بنابراین برای بهره بردن هرچه بیشتر و شایسته تر از نتایج قدرت و ثروت ضمن مصونی از آسیب های آن، نظارت پیوسته یک ضرورت است.

در همین راستاست که فرهنگ اسلامی شرایطی هم چون عصمت و عدالت در زمامداران جامعه را به عنوان ناظران درونی معتبر می شمارد که در واقع تدبیری است که اسلام برای حفاظت از ماهیت حکومت اندیشیده تا مانع از تبدیل آن به مالکیت شخصی شود و نظارت بیرونی پازل تکمیل کننده این مولفه است، به طوری که جعل تکلیف امر به معروف و نهی از منکر در اسلام در کنار اموری چون مالیات دادن مردم به دولت و مراقبت بر مصرف درست آن و نیز لزوم مشورت با مردم "و شاورهم فی الامر" (آل عمران، ۱۵۹) این نظارت و تعامل را الزام آور می کند (نائینی، ۱۳۹۸: ۴۷-۴۵).

در تربیت اجتماعی -سیاسی پیامبر(ص) و امیرالمومنین علیه السلام نیز این نکته به چشم می خورد که امت بایستی در برابر زمامداران کاملاً هوشیار بوده و مشورت و نظارت داشته باشند. سیره نشان می دهد که معصومین درصدد نبوده اند با تکیه بر عصمت خویش، مردم را از این تکلیف بر حذر بدارند. این فرهنگ سالیان متمادی در میان مردم حجاز باقی بود به نحوی که مردم عادی حتی در مقابل خلیفه با

هیبتی چون خلیفه دوم ایستاده و وی را در باب مسئله ای در ملاء عام استیضاح کردند (ورعی، ۱۳۹۸: ۲۱۷-۲۱۸).

امیرالمومنین (ع) در این رابطه در خطبه شانزدهم نهج البلاغه می فرماید:

"لَا تَكْفُؤْا عَنْ مَقَالَةٍ بِحَقٍّ، أَوْ مَشُورَةٍ بِعَدْلٍ؛ فَإِنِّي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقِ أَنْ أُخْطِئَ، وَ لَا آمَنْ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِي، إِلَّا أَنْ يَكْفِيَ اللَّهَ مِنْ نَفْسِي مَا هُوَ أَمْلَكُ بِهِ مِنِّي" (نهج البلاغه، خطبه ۱۶)

"از گفتن سخن حق، یا مشورت دادن عادلانه، خودداری نکنید؛ زیرا من خود را بالاتر از این که خطا کنم نمی دانم و از اشتباهکاری ایمن نیستم، مگر این که خدای بزرگ مرا حفظ کند که اختیاردار هموست."

نظارت بر قدرت در قانون اساسی جمهوری اسلامی هم آمده و در آن فصلی مختص به حقوق ملت گردیده است. اصل هشتم قانون اساسی، امر به معروف و نهی از منکر را در سه ساحت آورده که یکی از ساحات امر و نهی حاکمان از جانب مردم است.

۲.۲. اشاعه و گسترش حکمرانی اسلامی و الگوسازی از آن در پرتو گسترش امت

به نظر می رسد یکی از مهم ترین کارکردهایی که این رکن در حکمرانی اسلامی می تواند داشته باشد؛ ایجاد یک لایه نخبگانی در بطن جهانی است که در جایگاه سنگ زاویه برای مردم دنیا خاصه مستعفی و لایه های پایین فکری-اقتصادی نقش ایفا کند. نقش و تاثیر امت در سه عرصه بینش، منش و کنش ظهور و بروز خواهد داشت.

الف. تاثیر در عرصه بینش: اثر این گروه در عرصه بینش، بستر و زمینه رشد را فراهم می کند، جایگاه این جبهه، ارتقاء فکری-فرهنگی مردم است که می توان آن را لایه پیش برنده جامعه اسلامی معرفی کرد. توضیح آن که؛ در بسیاری از مکاتب و ایدئولوژی های مادی، آن چه قابلیت پوشش دهی به سیاست های حاکم را داشته و دارد؛ جهل عمومی و دوری از تفکر و تعقل همه جانبه است که در عین القاء توهم همه چیز دانی و بی نیازی از تفکر چارچوب مدار پیش می رود-این توهم در زمانه کنونی به دلیل در معرض هجوم بالای اطلاعات قرار گرفتن است-. لیکن در یک حکمرانی اسلامی با توجه به هدف و اصل انسان

سازی و بنده پروری، برای رشد فضائل و دوری از رذائل نیازمند بهره گیری از قوه عقل و منطق در کنار سایر قواست.

"دین با آگاهی و بصیرت همراه است ایمان دینی اگر کورکورانه و ناآگاه باشد فایده ندارد. دین می خواهد هرکس وارد منطقه و محیط او می شود از اول بداند کجا می رود و دنبال چه کاری است." (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۶: ۴۰۴-۴۰۳)

و همین مسیر است که تحقق مبنایی اصول و ارکان حکمرانی اسلامی را ممکن می سازد. در واقع آن جبهه و امتی که به وسیله اتصال به یک تفکر پیشتاز در بستر دینی- توحیدی با شاخصه های قدرتمند عقلانی از مسیر جاری فکری- فرهنگی جهانی جدا شده اند، هسته ی اولیه حق طلبی و مخالفت با باطل را بنا گذارده اند. این هسته با ایمان از روی آگاهی و بصیرت، صبر و مقاومت در برابر شدائد «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ» (روم: ۶۰) و در نتیجه آن دو، برخورداری از کمک ها و امدادهای غیبی «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا» (غافر: ۵۱)، طی کنش های فردی و اجتماعی هماهنگ، موجبات آشنایی دیگران با خویش را فراهم می کنند. روند این آشنایی به دو واکنش فعال منجر می شود؛ واکنش منفی و سرکوب کننده از سوی طبقه بالای جامعه و واکنش مثبت و همراهی تدریجی از سوی طبقه پایین و تحت ستم و البته حق جوین و اهل فکر. تداوم این روند و همراهی اجتماعی از مردم که عموماً به درجاتی از رشد و دانایی جمعی رسیده اند می تواند مولفه های آگاهی جمعی و حفظ کرامت انسانی که از جمله کارکردهای حکمرانی اسلامی است را پوشش دهد.

ب. تاثیر بر عرصه اخلاقیات: نظام اخلاقی حاکم بر امت اسلامی، ذیل اصل توحید شکل گرفته است و در همین راستا با حفظ عدالت، صداقت، احسان و مبارزه با ارزش های جاهلی و مفاسد اخلاقی می توانند هم محور جاذبه ای سمت تفکر خود ایجاد کرده و الگوسازی کنند و هم زمینه های اصلاح روابط اجتماعی، عدالت گرایی، تزکیه و رشد عبادت های فردی و اجتماعی فراهم کنند.

این تاثیرات جایگاه ویژه ای در حکمرانی اسلامی دارند؛ تقارن سیاست و تهذیب نفس در هیئت حاکمه و مسئولین، اتخاذ تصمیمات حکومتی براساس عدالت و مسئولیت پذیری، نظام اقتصادی و قضایی عادلانه و ضد انحصار، قوانین فضیلت محور و عدالت حقوقی از جمله مفادی است که تحت این بعد قابلیت تحقق می یابند.

ج. تاثیر بر عرصه کنش و رفتار: پیوستگی این لایه و جبهه از مؤمنین، بعد از آنکه توانست در سامان دهی وجهت گیری بستر فکری - فرهنگی و اخلاقی امت نقش ایفا کند، لاجرم به بعد کنش و رفتار هم تسری پیدا کرده و به مشارکت و تصمیم گیری آحاد مسلمانان و نوعی مردم سالاری دینی منجر می شود، مشارکتی که بی تردید جایگاهی بی بدیل هم در تحقق اهداف حکمرانی و هم تقویت قوت و قدرت آن دارد. این مهم در ضمن ایجاد فرایند جامعه پذیری دینی و الگوسازی، نظام اسلامی را به یک کارخانه انسان سازی مبدل میکند به نحوی که بخش قابل توجهی از ورودی آن اگر مغرضانه خویشتن را تحت عنان نفس و شیطان قرار نداده باشد، رو به سوی حق و حقانیت خواهد آورد و تدریجاً گسترده‌گی اتصال و وحدت مذکور را تا گسترش یک امت یکپارچه اسلامی در پی خواهد داشت. کارکردهایی چون گسترش تعداد نفرات و گفتمانی امت واحده، دعوت و تبلیغ اسلام، اجرای احکام با حقوق برابر در قضاوت، مشارکت مردم در تصمیم گیری ها و نهادهای نظارتی بر حکومت، نهادهای توسعه و پیشرفت همه جانبه قابلیت تحقق می یابد.

۳.۲. ایجاد نقش اقتصادی و مشارکت در تامین منابع مالی

تردیدی نیست که هر حکومتی برای انجام وظایف و دستیابی به مقاصدش نیازمند منابع مالی و صرف هزینه های فراوان است که این نیازمندی بر اساس میزان اهداف و مسئولیت های متصوره حکومت متغیر می باشد. حکومت اسلامی نیز به سان دیگر حکومت ها از این قاعده مستثنا نیست. تحقق اهداف و وظایفی چون عدالت اقتصادی، فقر زدایی، توسعه امنیت و آبادانی، ایجاد امنیت اقتصادی، فراهم کردن فضاهای علمی و فرهنگی و رشد معنوی و فکری، تقویت ابعاد نظامی و امثالهم همه حاکی از این نیاز هستند (رضایی دوانی، ۱۳۸۹: ۴۸-۳۳).

دو دسته کلی منابع درآمد در نظام اسلامی شامل درآمدهای ثابت یعنی خمس و زکات و درآمدهای متغیر یعنی خراج، فیه، انفال، انفاق و کمک های مردمی است (رستمی، ۱۳۹۰: ۶۰) که تامین آن مستقیم یا غیر مستقیم به مشارکت و مسئولیت پذیری امت اسلامی مربوط می شود. علاوه بر این موارد، طراحی و تاسیس نهادها، سازمان ها و سرمایه گذاری در حوزه های اقتصادی و فنی، علمی و تخصصی، فرهنگی، خیریه و حمایت از محرومان توسط کنشگران فعال عرصه مردمی، عرصه رفاه و پیشرفت در حکمرانی اسلامی را گسترده تر و تحقق اهدافش را تسریع می کند. در واقع کارکرد و جایگاه امت اسلامی در این زمینه نوعی مشارکت تکمیلی است که از طریق آن به طراحی راه حل هایی می پردازد تا فعالیت های

نظام اسلامی را تکمیل کند و در این چارچوب نقشی فرایندی ایفا کند (جاوید و فتاحی، ۱۳۹۲: ۸۰-۷۹). از نمونه های عینی این مشارکت ها در طول دوران اسلام، می توان به وقف اشاره کرد که نهادی کاملاً مردمی و داوطلبانه است و نشانگر مسئولیت پذیری امت در حیطه حکمرانی اسلامی است تا با وقف برخی از اموال خود در تامین منابع مالی برای خدمات عمومی نقش داشته و باری از دوش حکومت بردارد.

۲.۴. زمینه سازی و فراهم کردن مقدمات ظهور منجی

در باب ظهور منجی و زمینه سازی آن دو دسته از اتفاقات دخیل هستند، دسته اول یک سری اتفاقات تکوینی و دسته دوم ظرفیت سازی انسانی و مردمی است. آن چه از روایات می توان برداشت کرد چنین است که مقدمه چینی ها و شبکه انسانی مورد نیاز در زمان ظهور بایستی پیش از آن یعنی در عصر غیبت شکل گرفته باشند، هم چنان که امیرالمومنین (ع) در جریان به دست گرفتن حکومت استقبال مردم و روی آوردن آن ها به ایشان را عامل پذیرش حکومت دانستند و از سوی دیگر اهل بیت نیز نسبت به پرسش چرایی و دلیل عدم قیامشان، قلت افراد پای کار و یاران را اشاره دارند (سبحانی، ۱۳۹۳).

روایاتی که بیانگر صفات سیصد و سیزده نفر یاور امامند نشانگر این مدعایند که امر عظیم ظهور نیازمند زمینه های انسانی با ویژگی های خاص در عصر غیبت است که محصول یک نظام تربیتی و مسیر تاریخی اند تا بدان مرحله از رشد دست یابند تا بتوانند به قدرت، تاثیر گذاری و رویدادسازی برسند.

"عن أبي عبد الله بن بكير قال: قال أبو الحسن (عليه السلام): يا بن بكير، إني لأقول لك قولاً قد كانت آبائي (عليها السلام) تقوله: لو كان فيكم عدة أهل بدر لقام قائمنا، يا عبد الله إنا نداوي الناس ونعلم ما هم، فمنهم من يصدقنا المودة يبذل مهجته لنا، ومنهم من ليس في قلبه حقيقة ما يظهر بلسانه...." (طبرسی، ۱۳۹۲: ۱۲۹).

امام کاظم علیه السلام فرمود: اگر در بین شما به تعداد افراد جنگ بدر بودند قائم ما قیام می نمود. ای بنده خدا، ما مردم را بررسی می کنیم و می دانیم مردم چه هستند، بعضی از آنها در دوستی با ما راستگو هستند و جانشان را برای ما نثار می سازند،.... حق طرفدارانی و باطل نیز پیروان ویژه ای دارد، اهل حق راهشان از اهل باطل جداست، انتظار امر ما را می کشند و از خدا امید دارند که بلندی دولت ما را

بینند، آنان پرگو و افشاگر و تهی و خودنما نمی باشند و به واسطه پیوندشان به ما کسب معاش نمی کنند، و طمع کار نیستند..... دامن همت بالا زده و پا در جای پای ما می گذارند و به فرمان ما عمل می کنند. و پارسایی و ترک دنیا از صورتهای آنان مشاهده می شود، شب را بر خلاف معمول بین مردم به صبح می رسانند، و همچنان روز را به خلاف معمول مردم به شب می رسانند، و با راز و نیاز از خداوند تقاضای اصلاح امت بتوسط ما دارند، که خداوند ما را وسیله رحمت ضعیفان و توده مردم قرار دهد. ای عبد الله آنان شیعیان ما و از ما و حزب ما، و آنان اهل ولایت ما هستند."

در این روایت امام کاظم (ع) به ویژگی های اهل حق و باطل اشاره می فرماید و از این روایت ویژگی های شبکه انسانی عصر غیبت که که زمینه ساز و یاور منجی در عصر ظهور هستند به دست می آید. یک جمعیت انسانی و نظام ارتباطی حول محور امام که دارای هدف و برنامه بوده و مرز بندی مشخصی دارند. افرادی که بی تفاوت به جبهه حق نبوده و در جهت حمایت از آن میدان داری می کنند. البته مشخص است که این صفات متعالی در بخش نخبگانی و بالای امت اسلامی یا به تعبیری جبهه در هم تنیده مومنین خاص متبلور می شود لکن هرچه این امت گسترده تر و قوی تر در صحنه جهانی ظهور و بروز داشته باشند توان و قابلیت نقش آفرینی این لایه به عنوان قله امت نیز بیشتر می شود و طبعاً امر زمینه سازی را تسریع و تسهیل می گرداند (سبحانی، ۱۴۰۳)

نتیجه گیری

جایگاه امت در اندیشه سیاسی اسلام به عنوان محور اساسی در حکمرانی اسلامی بوده و حتی میتوان از آن به عنوان قوام این حکمرانی یاد کرد. پیش از استقرار نظام و حکومت اسلامی، نقش امت، مقاومت، حفظ هویت و پذیرش و اطاعت است. پس از استقرار، نقش امت به مشارکت فعال، نظارت دائم و همکاری در سازندگی تغییر می یابد. در هر دو حالت، امت یک عنصر منفعل نیست، بلکه بازیگری اصلی و مسئول در سرنوشت خویش است. تفاوت تنها در تاکتیک ها و ابزارهاست، نه در اصل مسئولیت پذیری. سازوکارهای عملیاتی نقش امت در حکمرانی نیز، که ریشه در در اندیشه سیاسی اسلام و شیعی دارد، نشان می دهد که این نقش، صرفاً نظری نیست. این مکانیسم ها از نظارت عمومی (امر به معروف و نهی

از منکر) و مشارکت در تصمیم‌گیری (شورا)، تا عقد پیمان با امام (بیعت) و نقد سازنده (نصیحت) یک سیستم کامل تعامل و پاسخگویی را شکل می‌دهند. این سیستم از یک طرف تضمین می‌کند که حکمرانی اسلامی، بر مدار عدالت بچرخد و از انحراف به سمت استبداد یا فساد مصون بماند و از طرف دیگر امت را از حالت انفعال خارج کرده و آن را به بازیگری فعال در سرنوشت خویش تبدیل می‌کند. در نهایت، می‌توان گفت در یک رابطه متقابل و پویا، حکمرانی اسلامی بدون امت، فاقد موضوعیت بوده و قابلیت تحقق ندارد، امت هم بدون حکمرانی، فاقد نظم و سامان برای رسیدن به اهداف متعالی خود می‌شود.

برای تحقق این موارد، نیاز به تقویت نهادهای مدنی، ترویج فرهنگ نقادی سازنده، استفاده درست و بهره‌برداری از رسانه‌های موجود و فضای مجازی، توسعه علوم انسانی اسلامی و بازخوانی مستمر متون دینی در پرتو مسائل جدید است. این پژوهش گامی در جهت تبیین نظریه امت در حکمرانی اسلامی است و می‌تواند به عنوان الگویی برای سیاست‌گذاران و مدیران نظام اسلامی در طراحی الگوهای حکومت داری مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

کتب:

- قرآن کریم

- نهج البلاغه

- حسینی خامنه ای، ع. (۱۳۹۶). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، گردآوری و تنظیم متن مرکز صهبا، چاپ نهم، قم: نشر موسسه فرهنگی ایمان جهادی.

- دهخدا، ع. (۱۳۷۷). فرهنگ دهخدا، جلد هفتم، تهران، نشر دانشگاه تهران.

- رحیم پور ازغدی، ح. (۱۳۹۷)، امت اسلامی، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

- رضایی دوانی، م. (۱۳۸۹). مقدمه ای بر مالیه عمومی در اسلام. تهران: انتشارات سمت.

- طباطبایی، م. (۱۳۷۶). تفسیرالمیزان، ترجمه ی محمدجواد کرمانی و محمدعلی گرامی قمی، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، چاپ ۶. جلد ۶.

- طبرسی، ع. (۱۳۹۲)، مشکات الانوار، ترجمه محمدی و هوشمند، قم، انتشارات دارالثقلین.

- مساواتی، م. (۱۳۸۱). مبانی جامعه شناسی، تبریز: نشر احرار.

- مصباح یزدی، م. (۱۳۸۲)، نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- نائینی، م. (۱۳۹۸). تنبیه الممه و تنزیه المله، تحقیق و مقدمه سیدجواد ورعی. چاپ چهارم، قم: بوستان

مقالات:

- اکبری معلم، علی (۱۳۸۳). مشروعیت و مقبولیت ولایت فقیه از دیدگاه امام خمینی (ره)، فصلنامه علوم سیاسی، ۲۵ (۷)، ۱۲۶-۱۱۱.

- جاوید، م و فتاحی زفرقندی، ع. (۱۳۹۲). راهکارهای مشارکت مردم در اداره حکومت اسلامی. فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۶ (۲)، ص ۸۸-۶۹.

- زارعی، م و آرای، و. (۱۴۰۰). واکاوی و نقد الگوی حکمرانی خوب تبیین شاخص های حکمرانی اسلامی مبتنی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش های انقلاب اسلامی، شماره ۳۷.

- زهیری، ع. (۱۳۸۵). کارویژه های دولت نبوی. فصلنامه علوم سیاسی، ص ۱۷۲-۱۵۷.

- سهیلی، ح و مرادی، ب. (۱۴۰۰). حکمرانی اسلامی مردم پایه بر اساس مدیریت جهادی با تاکید بر بیانیه گام دوم انقلاب، فصلنامه حکمرانی متعالی، شماره ۸.

- عابدی درچه، م. (۱۳۹۸). حکمرانی دفاعی-منطقه ای با اندیشه امت محور سپهبد پاسدار شهید حاج قاسم سلیمانی در بحران های ژئوپلیتیکی غرب آسیا، فصلنامه حکمرانی متعالی، شماره اول.

- عالی، م و دیگران. (۱۴۰۳). تعریف حکمرانی (فرا ترکیب چیستی حکمرانی). فصلنامه حکمرانی متعالی، ۱۸(۵)، ۶۱-۸۶.

- ورعی، ج. (۱۳۹۹). نظارت بر قدرت در تفکر اسلامی و قانون اساسی، نشریه مطالعات فقه معاصر، شماره ۹، ص ۲۴۰-۲۱۱.

- یزدانی زازارانی، م. (۱۳۹۱). بررسی رابطه مفهومی و تاثیر حکمرانی بر سیاست گذاری عمومی. فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره نخست شماره چهارم.

- Weiss, T. G. "Governance, good governance and global governance: conceptual and actual challenge", Third world quarterly, ۲۱(۵), ۲۰۰۰.

- Bingham, L. B., Nabatchi, T., & O'Leary, R. "The new governance: Practices and processes for stakeholder and citizen participation in the work of government", Public administration review, ۶۵(۵), ۲۰۰۵.

منابع اینترنتی:

سبحانی، محمدتقی (۱۴۰۳)، شبکه انسانی جهانی در حکمرانی زمینه ساز

<https://sobhanimt.com/۲۰۲۵/۰۳/۰۴>

<https://governanceschool.ir/fa/page/۵۷۶>